



نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی مؤثر در
مؤسسات اعتباری

حسین کثیری*

چکیده

این مقاله، نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی مؤثر در مؤسسات اعتباری را در مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در این راستا، ابتدا جایگاه کنترل داخلی و حسابرسی داخلی در نظام حاکمیت شرکتی ارائه می‌شود. نظام حاکمیت شرکتی در بانک دو نقش اساسی هدایت (راهبری) و نظارت دارد. هیأت مدیره، کمیته حسابرسی و نظام حسابرسی داخلی مؤثر از فرآیندهای تحقق حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری است. در ادامه، با بیان اهداف، حوزه‌های فعالیت حسابرسی داخلی، نظام حسابرسی داخلی مؤثر در مؤسسات اعتباری ارائه و ارتباط حسابرسی داخلی با کنترل داخلی، مدیریت ریسک و کمیته حسابرسی مورد بحث قرار می‌گیرد و ویژگی‌های چارچوب یکپارچه کنترل داخلی (کوزو) ارائه شده و مزایا، اهداف و مراحل و روش‌های ارزیابی کنترل‌های داخلی در مؤسسات اعتباری تشریح می‌گردد تا از این رهگذر سلامت درون بانکی، شفافیت، پاسخگویی، وظایف، سلامت و ثبات کل مؤسسات اعتباری در جهت تحقق اهداف اقتصادی کشور تأمین استانداردها و اصول مؤسسات اعتباری مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

واژگان کلیدی: کنترل داخلی، حسابرسی داخلی، حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک

مقدمه

امروزه استفاده مؤثر و بهینه منابع در راستای دستیابی به اهداف سازمانی، ارزش‌افزایی، رعایت حقوق ذینفعان اعم از مالکان و سپرده‌گذاران، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در زمره راهبردها و اهداف اساسی مؤسسات اعتباری محسوب می‌شود. گستردگی و پیچیدگی روزافزون فعالیت‌ها، تشدید رقابت، تغییرات سریع در محیط اقتصادی و فناوری و وقوع انواع تقلبات، ریسک مؤسسات اعتباری را افزایش داده و شهرت آنها را به‌عنوان واسطه‌گران مالی مورد اعتماد جامعه به چالش کشانده است. نتیجه تحقیقات نشانگر آن است که بسیاری از اختلال‌ها و چالش‌های موجود در نظام بانکی کشور، از جمله عدم شفافیت، کارایی پایین، تخصیص غیرکارای منابع، نبود مدیریت ریسک کارآمد، عدم تطبیق فعالیت‌ها و مقررات و در نتیجه عدم دستیابی به اهداف سازمانی، عدم تأمین کامل حقوق سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان برآمده از فقدان طراحی، استقرار و اثر بخشی نظام مؤثر کنترل داخلی، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک به‌عنوان ارکان اصلی نظام حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری است.

کمیته نظارت بانکی بال^۱ رهنمودهای مؤثری از جمله، اصول حاکم بر عملیات حسابرسی بانک‌ها (۲۰۱۲)، چارچوب کنترل داخلی بانک‌ها (۱۹۹۸)، بهبود حاکمیت شرکتی بانک‌ها (۲۰۱۰)، اصول نظارت مؤثر بانکی (۲۰۱۲) انتشار داده است. کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی (COSO)^۲، چارچوب یکپارچه کنترل داخلی (۲۰۱۳)، انجمن حساب‌رسان داخلی (IIA)^۳، چارچوب عملکرد حرفه‌ای حساب‌رسان داخلی (۲۰۱۵) و سازمان بورس و اوراق بهادار، دستورالعمل‌های کنترل‌های داخلی (۱۳۹۰) و بانک مرکزی، رهنمودی برای نظام مؤثر کنترل داخلی در

^۱ Basel Committee

^۲ Committee of Sponsoring Organization of the Treadway Commission (COSO)

^۳ Institute of Internal Auditors

مؤسسات اعتباری (۱۳۸۶) را منتشر نموده‌اند. کلیه این رهنمودها بر استقرار نظام حاکمیت شرکتی، کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک و تطبیق مؤثر در مؤسسات اعتباری تأکید دارند.

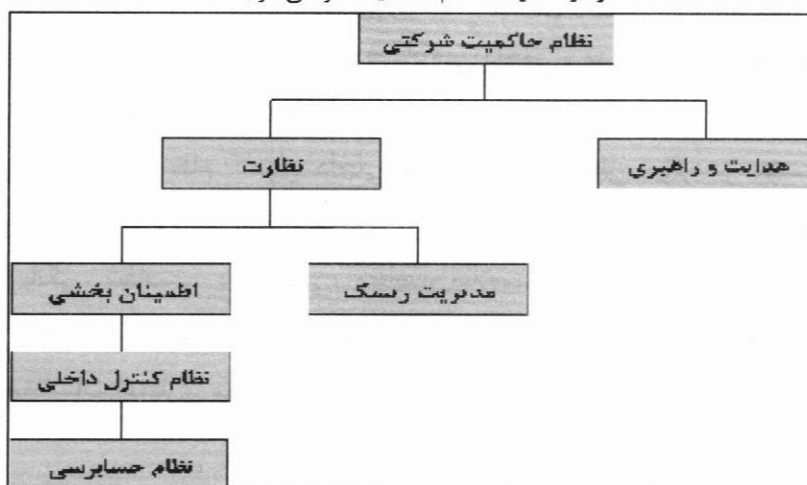
در این مقاله، نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی مؤثر در مؤسسات اعتباری ایران، سازوکارها و شاخصه‌های آن ارائه می‌شود تا از این رهگذر، سلامت درون بانکی، شفافیت، پاسخگویی، وظایف، سلامت و ثبات کل نظام مؤسسات اعتباری در جهت تحقق اهداف اقتصادی کشور تأمین گردد و استانداردها و اصول نظام مؤسسات اعتباری مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

۱- جایگاه کنترل داخلی و حسابرسی داخلی در نظام حاکمیت شرکتی

نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی، از ارکان مهم و قلب نظام راهبری یا حاکمیتی شرکتی است.

ارتباط نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی با نظام راهبری، ارتباطی منطقی و ارگانیک است به عبارتی، نظام راهبری شرکتها در بانکها، دو نقش اساسی (۱) هدایت (راهبری) و (۲) نظارت را برعهده دارند و همان‌طور که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد از بعد نظارتی، دو وظیفه و نظام اصلی شامل نظام مدیریت ریسک و نظام اطمینان بخشی در بانک مستقر می‌شود که نظام کنترل داخلی در نظام اطمینان بخشی قرار می‌گیرد (رونینگ و همکاران، ۲۰۰۹).

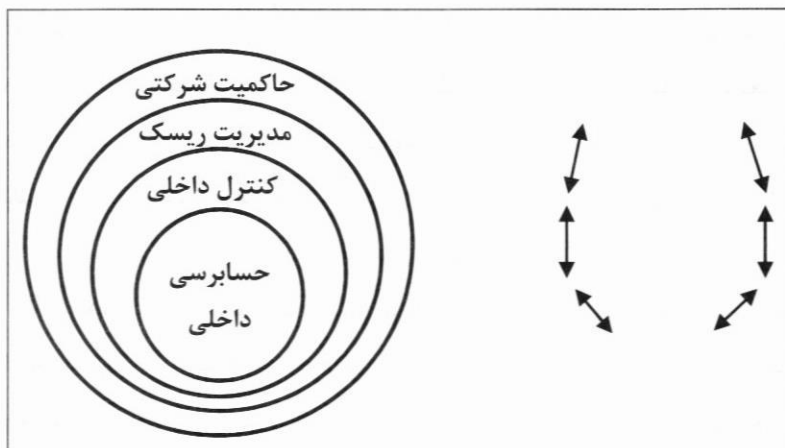
نمودار شماره ۱: نظام حاکمیت شرکتی در بانکها



نقش اصلی نظارت در بانکها، استقرار مدیریت ریسک توانمند و اطمینان بخشی از طریق سازوکارهای کنترل داخلی و حسابرسی داخلی است.

نظام حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری استقرار می یابد تا اطمینان حاصل شود که مؤسسه در جهت اهداف تعیین شده حرکت می کند، ریسکها مدیریت شده و بر عملکردها نظارت می شود. ابتدا، اهداف عام و خاص در برنامه راهبردی مؤسسات معین می شود. همواره مخاطرات و ریسکهایی (اعتباری، مالی، عملیاتی و ...) وجود دارند که دستیابی به اهداف مؤسسات را تهدید می کند، استقرار نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی، یکی از ابزارهای مؤثر مدیریت ریسک است. ارتباط نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی با حاکمیت شرکتی در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است. (COSO، ۲۰۱۳)

نمودار شماره ۴: ارتباط نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی با حاکمیت شرکتی و ریسک



تحقیقات انجام شده، نشانگر آن است که بسیاری از اختلال‌ها و چالش‌های موجود در نظام بانکی کشور، از جمله عدم شفافیت، کارایی پایین بانک‌ها، تخصیص غیرکارای منابع، نبود مدیریت ریسک کارآمد، انتصابات غیرتخصصی، عدم تأمین حقوق سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان، برآمده از فقدان طراحی و اجرای نظام حاکمیت شرکتی مناسب در مؤسسات اعتباری کشور است که اصلاح آن می‌تواند گام مهمی در اجرای بند (۹) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که «اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور» باشد، زیرا هرگونه اصلاح نظام بانکی به‌عنوان جزء مهم نظام مالی و رکن اساسی نظام پولی کشور با توجه به بانک محور بودن اقتصاد، بدون توجه به اصلاح ساختارها و فرآیندهای درونی آن‌ها، به‌ویژه اصلاح نظام حاکمیت شرکتی و استقرار ارکان اصلی آن، که کنترل داخلی و حسابرسی داخلی است نتیجه بخش نخواهد بود (دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵).

طبق تعریف نظام حاکمیت شرکتی در برگیرنده کلیه فرآیندها و ساختارهایی است که مؤسسه اعتباری را در امر هدایت و راهبری امور، با هدف اطمینان از امنیت

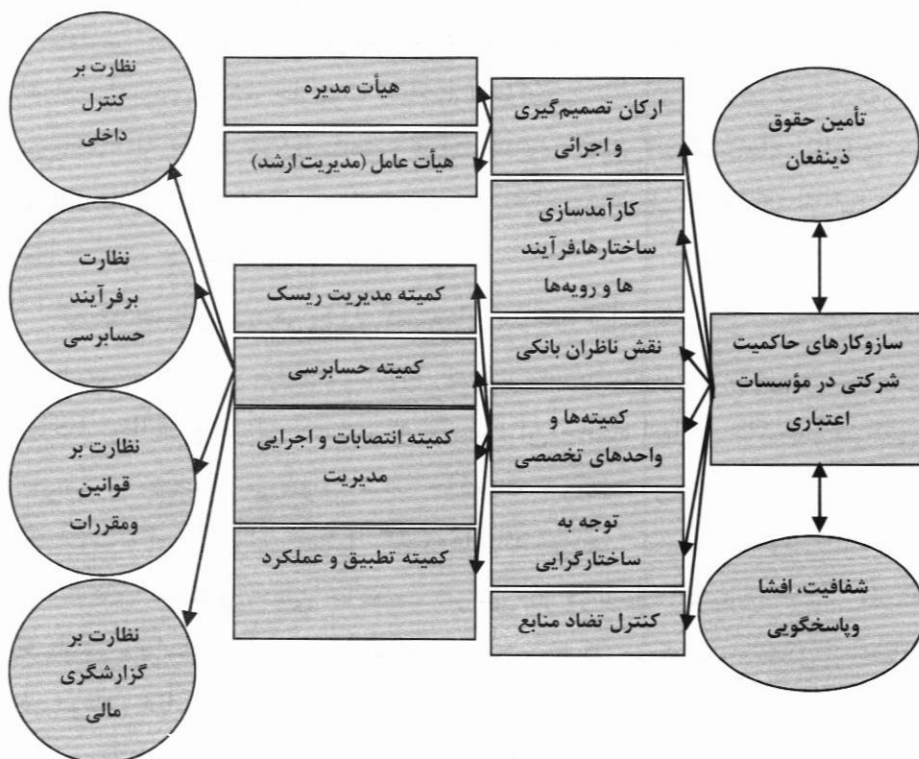
و سلامت عملکرد آن توأم با تقویت بازده حقوق صاحبان سهام یاری می‌نماید. نظام حاکمیت شرکتی، توزیع اختیارات، به‌کارگیری سازوکارهای مناسب توسط هیأت مدیره، هیأت عامل و سهامداران به‌منظور پاسخگویی به سایر ذینفعان بانک نظیر مشتریان، کارکنان و به‌طور کلی جامعه است. نظام حاکمیت شرکتی، ساختاری را به‌منظور توسعه اهداف مؤسسه اعتباری و اجرای آن فراهم و نظارت و کنترل بر عملکرد مؤسسه اعتباری را امکان‌پذیر می‌سازد (کمیته بال ۱۳۹۴).

از نگاه بانک جهانی، نظام حاکمیت شرکتی در برگیرنده ساختارها و سازکارهای هدایت و کنترل شرکت است. بر این اساس، حاکمیت شرکتی، روابط مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران عمده، سهامداران خرد و سایر ذینفعان (سپرده‌گذاران) را مورد توجه قرار می‌دهد. نظام حاکمیت شرکتی خوب، متغیرهای عملکرد شرکت‌ها و افزایش دسترسی به سرمایه بیرونی، به توسعه اقتصادی پایدار کمک می‌کند. (بانک جهانی، ۲۰۰۹). از منظر بانک جهانی، حاکمیت شرکتی اشاره به مجموعه‌ای از مقررات و انگیزه‌ها دارد که از طریق آن مدیریت مؤسسات اعتباری کنترل و جهت‌دار می‌شود و به‌وسیله آن حقوق، مسئولیت‌ها بین هیأت مدیره، مدیران، مؤسسه، سهامداران و دیگر ذینفعان توزیع می‌شود. حاکمیت شرکتی خوب منجر به شفافیت و پاسخگویی بهتر می‌شود. به‌لحاظ نظری، نظریه‌های «نظریه نمایندگی» و «نظریه ذینفعان»، حاکمیت شرکتی را توجیه می‌نماید (حساس یگانه، ۱۳۸۵). اهمیت و ضرورت استقرار نظام حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری موجب:

- ۱- تأمین ثبات و سلامت نظام بانکی (جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها)،
- ۲- جلوگیری از سرایت مشکلات بانکی به کل اقتصاد،
- ۳- مقابله با شکل‌گیری و گسترش فساد بانکی، و
- ۴- حفظ حقوق و منافع ذینفعان از جمله حفظ «منافع سپرده‌گذاران»، «حفظ اعتماد و اطمینان به بانک‌ها»، «برقراری تعادل میان منافع تمام ذینفعان» می‌گردد. (دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵)

کمیته نظارتی بانکی بال، در سال ۲۰۱۰، مهم‌ترین سند خود در خصوص اصول حاکمیت شرکتی را در ۱۴ اصل لازم‌الرعایه منتشر کرد. این اصول، در سال ۲۰۱۵ با اعمال تغییراتی در ۱۳ اصل، ارائه شد (اصول حاکمیت شرکتی، ۲۰۱۲). براساس این اصول، سازوکارها و فرآیندهای تحقق حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری و ارتباط آن با کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و کنترل داخلی در بانک‌ها به صورت نمودار شماره سه می‌باشد.

نمودار شماره ۳: سازوکارها و فرآیندهای تحقق حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری



هیأت مدیره: نقش و وظایف هیأت مدیره مؤسسه اعتباری در ساختار حاکمیت شرکتی، به‌ویژه استقرار نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی مؤثر، بسیار حائز اهمیت است. در ادبیات حاکمیت شرکتی، از بعد نظارتی، هیأت مدیره و در درجه بعد، هیأت عامل آن، نقش محوری و اساسی در استقرار نظام حاکمیت شرکتی مؤثر در جهت تحقق اهداف بانک و در راستای منافع ذینفعان ایفا نمایند. به‌عبارتی، هیأت مدیره قلب راهبردی مؤسسه اعتباری، برای تحقق اهداف حاکمیت شرکتی و سلامت آن و نظام کنترل داخلی، قلب حاکمیت شرکتی برای نظارت بر عملکردها است. طبق اصل یکم از اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال «هیأت مدیره مسئولیتی جامع در قبال مؤسسات اعتباری، شامل تصویب و نظارت بر اجرای اهداف راهبردی بانک، چارچوب (ساختار) حاکمیتی و ارزش‌های شرکتی برخوردار می‌باشد» از جمله مسئولیت‌های هیأت مدیره، تدوین سیاست‌های کلیدی در ارتباط با نظام کنترل داخلی است. تشکیل «کمیته حسابرسی» یکی از ابزارهای هیأت مدیره در بحث نظارت است.

کمیته حسابرسی: هر یک از کمیته‌های منتخب هیأت مدیره، از جمله کمیته‌های حسابرسی، حقوق و مزایا، انتصابات، ریسک، مدیریت دارایی و بدهی و ... دارای ساختار وظایف و اصولی هستند که براساس آن جایگاه آنها در حاکمیت شرکتی، تعریف و مشخص می‌شوند. سند حاکمیت شرکتی در هر مؤسسه اعتباری، چارچوب و اصولی برای تشکیل کمیته‌ها ارائه می‌دهد. کمیته حسابرسی از جمله کمیته‌های تخصصی اصلی حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری، است. کمیته حسابرسی، براساس منشور و دستورالعمل مشخص شکل می‌گیرد و متشکل از اعضای غیرموظف هیأت مدیره و مدیران مستقل می‌باشد. این کمیته، هیأت مدیره را در ایفای وظایف نظارتی خود یاری می‌رساند. طبق منشور کمیته حسابرسی، کمیته حسابرسی دارای شرح وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات مشخص از جمله چهار وظیفه اصلی زیر می‌باشد:

- ۱- اطمینان از استقرار نظام کنترل داخلی و مدیریت ریسک در مؤسسه اعتباری،
 - ۲- اطمینان از گزارشگری قابل اطمینان در مؤسسه اعتباری،
 - ۳- اطمینان از استقرار فرآیند حسابرسی مناسب (داخلی و خارجی) و تأمین استقلال آن‌ها و
 - ۴- اطمینان از رعایت قوانین و مقررات (تطبیق).
- حصول اطمینان از استقرار نظام کنترل داخلی مناسب در مؤسسه اعتباری، گزارشگری مالی از جمله افشای اطلاعات، انجام حسابرسی داخلی و حسابرسی قانونی و حفظ استقلال آنها و استقرار نظام تطبیق مناسب بر عهده کمیته حسابرسی است (کثیری، ۱۳۹۰).
- از جمله وظایف کمیته حسابرسی، اطمینان از استقرار حسابرسی داخلی مناسب در مؤسسه اعتباری و انجام وظایف زیر در مورد آنها است:
- پایش و اثر بخشی حسابرسی داخلی مؤسسه اعتباری،
 - تأیید برنامه حسابرسی داخلی،
 - بحث و بررسی در مورد گزارش‌های حسابرسی داخلی،
 - حصول اطمینان از ارتباط و تسهیل واحد حسابرسی یا مدیریت ارشد حسابربان مستقل، مقام نظارتی و کمیته حسابرسی،
 - تأیید منشور حسابرسی و اصول اخلاقی حسابربان داخلی،
 - ارزیابی عملکرد واحد حسابرسی داخلی و
 - تصویب یا پاداش تصویب به هیأت مدیره در مورد انتصاب، انتصاب مجدد یا عزل رئیس حسابرسی داخلی و اعضای ارشد حسابربان داخلی.

۲- نقش و وظایف نظام حسابرسی داخلی مؤثر در مؤسسات اعتباری

امروزه حسابرسی داخلی، بخش جدایی‌ناپذیر از فرآیند نظام حاکمیت شرکتی مطلوب در مؤسسات اعتباری است. در هر مؤسسه اعتباری که مدیریت به اهمیت

و ضرورت نظام کنترل داخلی پی برده باشد و در عمل، به آن توجه نشان دهد، نقش حسابرسی داخلی مهم می‌شود. همین موضوع، زمینه رشد و شکوفایی حسابرسی داخلی را فراهم می‌کند. از دیدگاه حسابرسان داخلی، وظیفه و کارکرد اصلی آن‌ها کمک به هیأت مدیره و کمیته حسابرسی برای دستیابی به اهداف سازمانی است (بختیاری آزاد، ۱۳۹۰).

طبق تعریف انجمن حسابرسان داخلی (IIA)^۱ حسابرسی داخلی، فعالیت اطمینان-بخشی و مشاوره‌ای مستقل و بی‌طرفانه است که با هدف ارزش‌افزایی و بهبود عملیات سازمان انجام می‌یابد. حسابرسی داخلی با اتخاذ رویکردی نظام‌مند و سیستماتیک از طریق ارزیابی و بهبود فرآیندهای مدیریت ریسک، کنترل و راهبری، به سازمان کمک می‌کند تا به اهداف خود دست یابد. (IPPF^۲, 2015)

همان‌طور که از تعریف بالا مشخص است، حسابرسی داخلی، ریشه در سه مفهوم اصلی مدیریت ریسک، کنترل و راهبری (حاکمیت شرکتی) دارد و نقش مهمی در حفظ و نگهداری و ارزیابی مستمر فرآیندهای سه‌گانه پیشگفته ایفا می‌کند. هدف نخستین حسابرسی داخلی، ارزیابی مستمر کنترل‌های داخلی موجود در مؤسسه اعتباری به لحاظ طراحی، استقرار و اثربخشی و حصول اطمینان از در نظر داشتن ریسک‌ها و مخاطرات درون و برون سازمانی و اداره مؤسسه به‌طور اقتصادی به کارآمد و اثر بخش برای دستیابی به هدف‌های آن می‌باشد. از دیدگاه حسابرسان داخلی، وظیفه و کارکرد اصلی آن‌ها کمک به هیأت مدیره و کمیته حسابرسی برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت مؤسسه اعتباری است. حسابرسان داخلی، همواره رویکردهای مبتنی بر ریسک را برای تعیین برنامه‌های کاری و اقدامات خود مورد استفاده قرار می‌دهند (کمیته بال، ۲۰۱۲).

^۱ Institute of Internal Auditor (IIA)

^۲ International Professional Practice Framework (IPPF)

طبق اصل ششم از اصول رهنمودهای بهبود حاکمیت شرکتی کمیته بال (۲۰۱۰)، «لازم است مؤسسات اعتباری دارای یک نظام کنترل داخلی، واحد حسابرسی داخلی کارآمد و واحد مدیریت ریسک مؤثر باشند که از اختیارات جداگانه و امکان استفاده منابع کافی برخوردار بوده و بتوانند به هیأت مدیره بانک، دسترسی داشته باشند». همچنین طبق اصل نهم رهنمودهای مذکور «هیأت مدیره بانک می‌تواند از توان واحد حسابرسی داخلی در شناسایی مشکلات مربوط به نحوه اداره مؤسسه، مدیریت ریسک و نظام‌های کنترل داخلی استفاده نمایند و آنها را به شیوه‌های زیر ارتقا دهد:

- ترغیب حسابرسان داخلی به پیروی از استانداردهای حسابرسی داخلی ملی و بین‌المللی از جمله استانداردهای تعیین شده توسط انجمن حسابرسان داخلی،
- حصول اطمینان از ارایه گزارش حسابرسی داخلی به هیأت مدیره و اینکه حسابرسان داخلی به هیأت مدیره و کمیته حسابرسی دسترسی دارند،
- تشخیص اهمیت فرآیندهای حسابرسی داخلی و کنترل داخلی و ابلاغ این مهم به کل مؤسسه اعتباری».

طبق این رهنمود، هیأت عامل و هیأت مدیره مؤسسه اعتباری باید از اقدامات انجام شده توسط حسابرسان داخلی به حسابرسان مستقل و نیز حوزه کنترل داخلی به شیوه مؤثر استفاده نماید. براساس اصل دهم اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال (۲۰۱۵) واحد حسابرسی داخلی باید تأمین‌کننده اطمینان مستقل برای هیأت مدیره و پشتیبانی از هیأت مدیره و هیأت عامل در ارتقای رویه‌های حاکمیتی مؤثر و ثبات بلندمدت مؤسسه اعتباری باشد.

رهنمودهای کمیته بال به‌منظور بهبود و کارآمدسازی عملکرد حسابرسی داخلی در جهت تحقق حاکمیتی شرکتی، موضوعات زیر را در مورد حسابرسی داخلی مورد تأکید قرار می‌دهد:

- داشتن دستور کار روشن، پاسخگویی به هیأت مدیره و مستقل بودن از فعالیت‌های واحد حسابرسی شونده،
 - داشتن جایگاه مستقل، مهارت‌ها، منابع و اختیارات کافی برای به‌کارگیری مؤثر و هدفمند حسابرسی،
 - داشتن امکان دسترسی به تمام اطلاعات و گزارش‌های لازم و دارایی فیزیکی مؤسسه اعتباری و همچنین دسترسی به تمام سیستم‌های اطلاعات مدیران واحدهای تصمیم‌گیری مؤسسه،
 - داشتن دسترسی و آگاهی لازم از استانداردهای تخصصی مالی و بین‌المللی (مانند استانداردهای انجمن حسابرسی داخلی).
 - داشتن الزام از طرف هیأت مدیره برای ارزیابی‌های دوره‌ای از چارچوب حاکمیت ریسک مؤسسه اعتباری، شامل اثربخشی واحدهای مدیریت ریسک و تطبیق، کیفیت گزارش‌دهی به هیأت مدیره و هیأت عامل و اثربخشی نظام کنترل داخلی مؤسسه،
 - امکان گزارش مستقیم به هیأت مدیره یا کمیته حسابرسی بدون فیلتر شدن توسط مدیریت ارشد مؤسسه،
 - امکان انتشار عمومی دلایل برکناری مدیر ارشد حسابرسی داخلی (CAE)^۱ و رایحه دلایل آن به ناظران بانکی و
 - نداشتن بیش از یک وظیفه کاری در سازمان توسط رئیس حسابرسی داخلی.
- همان‌گونه که اشاره شد واحد حسابرسی داخلی باید به‌صورت مستقل میزان اثربخشی کارایی نظام کنترل داخلی، فرایند مدیریت ریسک و سیستم‌های راهبری و فرآیندهای ایجاد شده توسط واحدهای مختلف بانک را ارزیابی و از کارکرد آنها حمایت کرده و اطمینان خاطر دربارۀ کیفیت این فرآیندها و سیستم‌ها فراهم آورد.

^۱ Chief Audit Executive (CAE)

۱-۲- ارتباط واحدهای عملیاتی و پشتیبانی با حسابرسی داخلی

کمیتة بال (۲۰۱۲) رابطه بین واحدهای عملیاتی مؤسسه اعتباری (صف) واحدهای پشتیبانی و حسابرسی داخلی را با استفاده یک مدل کنترلی سه سطحی (موسوم به سه خط دفاعی کنترلی)^۱ بدین شرح توضیح می‌دهد:

واحدهای عملیاتی یا واحدهای صف مؤسسات اعتباری و معیارهای کنترل داخلی، اولین سطح کنترلی این مدل هستند. این واحدها در محدوده تعیین شده برای پذیرش ریسک، مسئول شناسایی، ارزیابی و کنترل ریسک مربوط به کسب و کار خود هستند. دومین سطح کنترلی شامل واحدهای پشتیبانی مانند، واحدهای مدیریت ریسک، تطبیق، حقوقی، منابع انسانی، تأمین منابع و فناوری می‌شود. هر یک از واحدهای پیشگفته با برقراری ارتباط نزدیک با واحدهای عملیاتی اطمینان حاصل می‌کنند که ریسک‌های موجود در سطح اول به شکل مناسب شناسایی و مدیریت می‌شوند. واحدهای پشتیبانی پیشگفته به تعریف راهبرد، پیاده‌سازی رویه‌ها و سیاست‌های بانک و جمع‌آوری اطلاعات برای ایجاد نگرش درباره ریسک در سطح کل مؤسسه اعتباری کمک می‌کنند.

سومین سطح کنترلی، حسابرسی داخلی است که به‌طور مستقل، اثربخشی فرآیندهای ایجاد شده در سطح اول و دوم کنترلی پیشگفته را ارزیابی کرده و اطمینان را درباره صحت این فرآیندها فراهم می‌کند.

۲-۲- وظایف حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری

وظایف‌های حساب‌رسان داخلی در مؤسسه اعتباری به شرح زیر است (کمیتة بال ۲۰۱۲):

- تدوین برنامه انعطاف‌پذیر سالانه حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک

¹ Three Lines of Defence

- اجرای برنامه سالانه مصوب هیئت مدیره شامل هرگونه وظایف و پروژه‌های مورد درخواست مدیریت مؤسسه اعتباری و کمیته حسابرسی،
- بررسی و ارزیابی مستمر اثربخشی سیستم کنترل داخلی،
- گزارش نتایج ارزیابی کنترل داخلی به کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره و پیگیری روش‌های بهبود سیستم کنترل‌های داخلی،
- انجام خدمات مشاوره‌ای علاوه بر خدمات اطمینان‌دهی حسابرسی داخلی برای کمک به مدیریت بانک در دستیابی به اهداف بانک،
- ارائه گزارش‌های دوره‌ای منظم (و در صورت نیاز، گزارش‌های موردی) درخصوص خلاصه نتایج حاصل از فعالیت‌های واحد حسابرسی داخلی به کمیته حسابرسی و هیئت مدیره،
- ارائه فهرستی از اهداف کمی عملیاتی و نتایج تحقق یافته به کمیته حسابرسی، همکاری در فرآیند رسیدگی به فعالیت‌های مشکوک به تقلب در شرکت (و یا فعالیت‌های پولشویی) و هشدار به‌موقع و مناسب به مدیریت مؤسسه اعتباری و کمیته حسابرسی (و یا مسئول مبارزه با پولشویی)،
- مدنظر قرار دادن دامنه رسیدگی‌های حسابرسان مستقل مؤسسه اعتباری و ارتباط و همکاری با آنان و
- فرهنگ‌سازی از طریق اطلاع‌رسانی مناسب به سایر کارکنان مؤسسات اعتباری درخصوص حسابرسی داخلی و ماهیت ارزش‌افزایی آن.

۲-۳- اهداف، وظایف و فعالیت‌های حسابرسان داخلی براساس استانداردهای

حسابرسی داخلی

۱-۳-۲- اهداف حسابرسان داخلی

- انجام یک فعالیت مستقل، اطمینان بخش و مشاوره‌ای با هدف ارزش‌افزایی و بهبود عملیات سازمان،

- کمک به سازمان در دستیابی به اهداف با رویکردی سیستماتیک و منظم به منظور ارزیابی و بهبود اثربخشی،
- مدیریت ریسک، کنترل و فرآیندهای حاکمیت شرکتی و
- انجام مأموریت‌های حسابرسی به منظور حصول اطمینان از رعایت دستورالعمل‌ها، مناسب بودن اثربخشی سیستم کنترل دائمی در اجرای عملیات.

۲-۳-۲- حوزه‌های فعالیت حسابرسی داخلی

حوزه فعالیت‌های حسابرسی داخلی شامل دو حوزه خدمات اطمینان بخشی و خدمات مشاوره‌ای به شرح زیر است:

الف- حوزه خدمات اطمینان بخشی: خدمات اطمینان بخشی متضمن ارزیابی بی‌طرفانه شواهد توسط حسابرس داخلی برای اظهار نظر یا نتیجه‌گیری‌های مستقل در رابطه با یک فرآیند، سامانه یا سایر موضوعات حسابرسی داخلی است، ماهیت و دامنه کار اطمینان بخشی توسط حسابرس داخلی تعیین می‌شود و سه طرف در آن درگیرند:

۱- شخص یا گروهی که مستقیماً با فرآیند، سامانه یا موضوعات درگیر هستند (مالک فرآیند)،

۲- شخص ارزیابی‌کننده (حسابرسی داخلی) و

۳- استفاده‌کننده از نتیجه ارزیابی (مدیریت).

از بعد کنترل‌های داخلی، حسابرس داخلی سازمان را در حفظ کنترل‌های کارآمد، از طریق ارزیابی اثربخشی و کارایی و مناسب بودن کنترل‌ها و بهبود مستمر آن‌ها کمک می‌کند.

در بعد مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی از طریق شناسایی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی حوزه‌های با اهمیت ریسک و ریسک‌های کلیدی فرآیند مدیریت ریسک را بهبود بخشیده و در استقرار سیستم‌های کنترل مدیریت ریسک مشارکت می‌نماید.

در بعد راهبری، حسابرس داخلی، موقعیت‌های مرتبط با راهبری سازمان، عملیات و سیستم‌های اطلاعاتی را به‌لحاظ:

- قابلیت اطمینان و صحت اطلاعات مالی،
- اثربخشی و کارایی عملیات،
- حفاظت از دارایی‌ها، و
- رعایت قوانین و مقررات

مورد ارزشیابی و بهبود قرار می‌دهد.

ب) حوزه خدمات مشاوره‌ای: ماهیتاً توصیه‌ای و مشورتی است و به‌طور معمول براساس درخواست یا مأموریت خاص محوله توسط صاحبکار (مدیریت) انجام می‌شود و نیاز به تخصص‌های خاص دارد.

ماهیت و دامنه کارهای مشاوره‌ای حسابرسی داخلی تابع توافق با صاحبکار است و در آن دو گروه درگیر هستند:

- ۱- شخص یا گروه عرضه‌کننده مشاوره (حسابرس داخلی) و
- ۲- دریافت‌کننده مشاوره (صاحبکار حسابرسی داخلی).

حسابرس داخلی هنگام اجرای مشاوره باید بی‌طرفی را حفظ کند و مسئولیت مدیریتی نپذیرد.

ارتباط حسابرسی داخلی و کنترل داخلی: حسابرس داخلی در حالی که خود جزئی از سیستم کنترل داخلی (جزء نظارت) محسوب می‌شود، وظیفه ارزیابی و پایش کنترل‌های داخلی را نیز بر عهده دارد. حسابرسی داخلی به‌عنوان جزئی از اجزای پنجگانه چارچوب یکپارچه کنترل داخلی، یعنی جزء نظارت محسوب می‌شود. حسابرسی داخلی به‌عنوان نظارت موردی در چارچوب یکپارچه کنترل داخلی (COSO، ۲۰۱۲) محسوب می‌شود.

ارتباط حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک: یکی از وظایف اصلی حسابرسی داخلی، ارزیابی فرآیند مدیریت ریسک در مؤسسه اعتباری می‌باشد از طرفی رویکرد حسابرسی «مبتنی بر ریسک» می‌باشد.

ارتباط کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی: به لحاظ حفظ استقلال واحد حسابرسی داخلی تحت نظارت کمیته حسابرسی است. وظایف کمیته حسابرسی در رابطه با حسابرسی داخلی به شرح زیر است:

- بررسی منشور، طرح‌ها، فعالیت‌ها، کارکنان و ساختار سازمانی با نظر مدیریت حسابرسی داخلی،

- بررسی گزارش‌های حسابرسی داخلی، بررسی برنامه جامع حسابرسی داخلی، حصول اطمینان از محدودیت یا مانع غیرموجهی در انتصاب، جایگزینی یا برکناری مدیر حسابرسی داخلی، رفع محدودیت‌های دسترسی به هیأت مدیره و اطلاعات تأمین استقلال،

- بررسی اثربخشی حسابرسی داخلی، از جمله پیروی از استانداردهای حرفه‌ای و برگزاری جلسات دوره‌ای منظم با مدیر حسابرسی داخلی.

ارتباط حسابرسی داخلی و حسابرس مستقل: طبق بخش ۶۱۰ استانداردهای حسابرسی و اطمینان بخشی، ارتباط حسابرسی داخلی و مستقل به شرح زیر می‌باشد:

- حسابرس مستقل باید فعالیت‌های حسابرسی داخلی و اثر آن را بر روش‌های حسابرسی مورد توجه قرار دهد. وی با شناخت فعالیت‌های واحد حسابرسی داخلی، مربوط بودن آن به کار حسابرسی را مورد ارزیابی قرار دهد.

- حسابرس مستقل می‌تواند بخشی از کار انجام شده توسط حسابرس داخلی را به منظور افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های حسابرسی مورد استفاده قرار بدهد.

- حسابرس مستقل هنگام ارزیابی، به جایگاه سازمانی، حدود وظایف، صلاحیت حرفه‌ای، مراقبت‌های حرفه‌ای (وجود دستورالعمل و برنامه و کاربرگ‌های حسابرسی داخلی) توجه می‌نماید.

نهایتاً وجود حسابرسی داخلی کارآمد و اثربخش در سازمان، موجب رفع اشکالات و مسائل قابل درج در گزارش حسابرسی مستقل می‌گردد.

۴-۲- فعالیت‌های اصلی واحد حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری

فعالیت‌های اصلی واحد حسابرسی داخلی مؤسسه اعتباری به شرح زیر است (کمیته بال، ۲۰۱۲):

تدوین نظام‌نامه حسابرسی داخلی:

- تدوین نظام‌نامه حسابرسی داخلی مطابق با استانداردهای حسابرسی داخلی و رهنمودهای مراجع قانونی

ارزیابی ریسک:

- تعیین اصول و روش‌های ارزیابی ریسک،

- بروزرسانی مداوم اصول مزبور برای انعکاس تغییرات در رویه‌ها یا سیستم کنترل داخلی و همچنین ایجاد خطوط کسب و کار جدید

تدوین برنامه حسابرسی داخلی:

- تدوین برنامه جامع حسابرسی سالانه با در نظر گرفتن دوره تناوب و اهمیت

حوزه‌های قابل حسابرسی و همچنین درخواست‌های مدیریت، در راستای

چارچوب تعریف شده در حسابرسی داخلی و مطابق با ارزیابی ریسک. این

برنامه باید پوشش مناسب ریسک‌های اصلی را تضمین کند. این برنامه ممکن

است طی سال توسط حسابرسی داخلی یا هیأت مدیره تغییر یابد.

- پیاده‌سازی برنامه جامع حسابرسی سالانه

۵-۲- مأموریت‌های اصلی حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری

- تأیید وجود دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها اجرای صحیح آن‌ها،

- تأیید انطباق دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های داخلی با قوانین و مقررات حاکم بر بانک،

- بررسی نبود ضعف‌های عمده در سیستم کنترل داخلی و همچنین بررسی اتکاپذیری اطلاعات مالی، عملیاتی و مدیریتی در سطح بانک و
 - ارزیابی توانایی مدیریت در ایفای تعهدات، سازماندهی تیم‌ها و تعریف رویکردها.
- سایر فعالیت‌ها:

- حضور در نشست‌های مرتبط با موضوع کنترل‌های داخلی
 - مشارکت در امور مشورتی (در صورت درخواست)
 - مأموریت‌های ویژه حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری:
 - ردیابی توالی رویدادها و وقایع و تعیین مسئولیت‌ها در هنگام بروز تقلب یا وقایع مشکوک، رویدادهای نامطلوب، سود یا زیان (بالفعل یا بالقوه) غیرمرتبط با یک رویداد نامطلوب عملیاتی، یا هرگونه عملکرد ناصحیح با اهمیت
- توصیه‌ها:

- گزارشگری یافته‌های حسابرسی، شامل ارائه توصیه‌هایی که هدف آن بهبود سیستم کنترل داخلی است و به سازمان در رسیدن به اهداف خود در بهترین شرایط اقتصادی کمک می‌کند.
- اطمینان از به‌کار بستن توصیه‌ها پس از اطمینان از اجرای آن

۶-۲- مدیریت واحد حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری

- وظایف مدیریت واحد حسابرسی داخلی و مؤسسات اعتباری شامل:
- تعریف ساختار و منابع مناسب، تناوب، ماهیت و دامنه مأموریت‌ها به‌منظور رسیدن تیم حسابرسی به اهداف خود،
- نظارت بر کارکنان و هزینه‌های واحد،
- حفظ و ارتقای صلاحیت علمی و حرفه‌ای حسابرسان و
- اجرای برنامه کنترل و بهبود سطح کیفیت به‌منظور تضمین ارزش افزوده واحد.

۷-۲- خدمات و کارکردهای حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری

خدمات حرفه‌ای و تخصصی حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری ارائه خدمات حرفه‌ای و تخصصی به بانک‌ها برای استقرار و بهره‌برداری از نظام حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک، شامل موارد ذیل است:

- شناخت کسب و کار و فعالیت‌های بانک^۱
- ارزیابی کلان کنترل‌های داخلی
- ارزیابی کلان ریسک‌های بانک
- ارائه فهرست فرآیندهای عملیاتی و تعیین اولویت‌های آن برحسب ریسک
- ارائه برآورد زمانی انجام نظارت و سایر اقدامات لازم توسط مؤسسه جهت اجرای عملیات حسابرسی هر فرآیند
- تدوین نظام‌نامه‌های حسابرسی داخلی
- تدوین برنامه جامع حسابرسی داخلی^۲
- بازنگری و طراحی ساختار سازمانی حسابرسی داخلی و تهیه شرح وظایف کادر حسابرسی داخلی منطبق با وظایف و مسئولیت‌های تعریف شده در نظام حسابرسی داخلی
- آموزش مفاهیم، ابزار و شیوه‌های حسابرسی داخلی و راهنمایی به کارگیری آن‌ها
- نظارت بر انجام کار حسابرسی داخلی و حصول اطمینان از رعایت دستورالعمل‌ها و روش‌های تدوین یافته در مرحله اول انجام کار
- همکاری در تنظیم و ارائه گزارش‌های حسابرسی داخلی
- ادامه آموزش‌های کاربردی به کارکنان واحد حسابرسی داخلی
- اصلاح و بازنگری مجموعه دستورالعمل‌های حسابرسی داخلی (نظام‌نامه) براساس تجارب حاصل از انجام کار یک دوره حسابرسی داخلی هر فرآیند

^۱ Business Mapping

^۲ Audit Plan

۸-۲- اصول بیست‌گانه حاکم بر عملیات حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری

کمیته بال در جولای ۲۰۱۲ طی رهنمود جدیدی، اصول بیست‌گانه حاکم بر عملیات حسابرسی داخلی بانک‌ها را منتشر کرد، اهداف این رهنمود عبارتند از:

- حسابرسی داخلی از ارکان استقرار حاکمیت شرکتی صحیح در بانک‌ها می‌باشد. در همین راستا، اصول توسعه حاکمیت شرکتی منتشر شده توسط کمیته بال بیان می‌کند که بانک‌ها باید دارای واحد حسابرسی داخلی همراه با اختیار، استقلال، جایگاه مناسب و منابع کافی باشند. بنابراین، وجود حسابرسان داخلی شایسته، مستقل و ذیصلاح برای حاکمیت شرکتی مؤسسات اعتباری صحیح ضروری می‌باشد.

- واحد حسابرسی داخلی مؤثر و مستقل می‌تواند در ایجاد نظام کنترل داخلی قوی مؤسسه اعتباری، کمک شایانی نماید، زیرا کارکرد حسابرسی داخلی با شناخت به‌موقع نقاط ضعف نظام کنترل داخلی، اطلاعات کافی را برای مدیریت فراهم کرده تا در برابر این ضعف‌ها واکنش مناسب نشان داده و اقدامات اصلاحی لازم را اتخاذ کند. بنابراین، حسابرسی داخلی مؤثر می‌تواند درخصوص کیفیت نظام کنترل داخلی، به هیأت مدیره و مدیریت ارشد و همچنین ناظران بانکی اطلاعات کافی را ارائه نموده و باعث شود که مدیریت از صحت نظام کنترل داخلی و به‌دنبال آن از حاکمیت شرکتی صحیح بانک تحت مدیریت خود اطمینان حاصل کند. این امر خود منجر به کاهش ریسک شهرت و ریسک زیان بانک‌ها می‌شود.

- بهبود کارکرد حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری و ارزیابی عملکرد آنها برای انطباق با استانداردهای حرفه‌ای ملی و بین‌المللی، مانند استانداردهای صادره توسط انجمن حسابرسان داخلی و تشویق آن‌ها به تدوین این استانداردها.

اصول بیستگانه پیشگفته:

کارکرد حسابرسی داخلی

اصل ۱: حسابرسی داخلی مؤثر، اطمینان مستقلى را برای هیأت مدیره و مدیریت ارشد درباره کیفیت و میزان اثربخشی کنترل داخلی بانک، مدیریت ریسک و سیستم‌ها و فرآیندهای حاکمیتی فراهم می‌آورد؛ به طوری که به هیأت مدیره و مدیریت ارشد کمک می‌کند که از سازمان خود و اعتبار آن حمایت کنند. ویژگی‌های اصلی حسابرسی داخلی:

استقلال و بی‌طرفی

اصل ۲: حسابرسی داخلی بانک باید از فعالیت‌های حسابرسی شده، مستقل باشد، این امر مستلزم این است که حسابرسی داخلی دارای جایگاه و اختیار کافی در بانک بوده به نحوی که قادر به ایفای وظایف خود همراه با بی‌طرفی باشد.

صلاحیت و مراقبت تخصصی و حرفه‌ای

اصل ۳: دانش و تجربه به‌عنوان جزئی از صلاحیت حرفه‌ای هر یک از حسابرسان داخلی و مجموعه آن‌ها برای اثربخشی حسابرسی داخلی بانک ضروری می‌باشد.

اخلاق حرفه‌ای

اصل ۴: حسابرسان داخلی باید با درستکاری انجام وظیفه کنند.

منشور حسابرسی داخلی

اصل ۵: هر بانک باید دارای منشور حسابرسی داخلی بوده به گونه‌ای که هدف، جایگاه و اختیار حسابرسی داخلی در بانک را طبق موارد مطرح شده در اصل اول به شکلی تشریح کند که باعث بهبود کارکرد مؤثر حسابرسی داخلی شود.

حوزه فعالیت

اصل ۶: همه فعالیت‌ها (شامل فعالیت‌های برون‌سپاری شده) و تمام واحدهای مستقل بانک باید در حوزه کلی کارکرد حسابرسی داخلی قرار داشته باشد.

مدیریت ریسک، کفایت سرمایه و نقدینگی، گزارش‌دهی داخلی و مقرراتی، واحد تطبیق، واحد مالی از جمله حوزه‌های مرتبط با حسابرسی داخلی است.

اصل ۷: حوزه فعالیت‌های کارکرد حسابرسی داخلی باید این اطمینان را فراهم سازد که موضوعات مقرراتی در برنامه حسابرسی به اندازه کافی در نظر گرفته شده است.

دوام و کارکرد حسابرسی داخلی

اصل ۸: هر بانک باید دارای حسابرسی داخلی دائمی باشد، در خصوص بانک‌های داخل شرکت هلدینگ و گروه بانکی، حسابرسی داخلی باید براساس اصل ۱۴ شکل بگیرد.

مسئولیت‌های هیأت مدیره و مدیریت ارشد

اصل ۹: هیأت مدیره بانک‌ها دارای مسئولیت نهایی در رابطه با حصول اطمینان از ایجاد و نگهداری یک نظام کنترل داخلی کارا، مؤثر و مناسب توسط مدیریت ارشد می‌باشد، بر این اساس، هیأت مدیره باید از حسابرسی داخلی در انجام مؤثر وظایفش حمایت کند.

مسئولیت‌های کمیته حسابرسی در رابطه با حسابرسی داخلی

اصل ۱۰: کمیته حسابرسی یا معادل آن، باید بر کارکرد حسابرسی داخلی بانک نظارت داشته باشد.

مدیریت واحد حسابرسی داخلی

اصل ۱۱: رئیس واحد حسابرسی داخلی باید مسئول حصول اطمینان از انطباق کارکرد این واحد با استانداردهای حسابرسی داخلی صحیح و اصول اخلاقی مربوط باشد.

گزارش‌دهی حسابرسی داخلی

اصل ۱۲: حسابرسی داخلی باید به هیأت مدیره یا کمیته حسابرسی در مورد همه موضوعات مرتبط با اختیارات خود، همان‌طور که در منشور حسابرسی داخلی توضیح داده می‌شود، پاسخگو باشد.

رابطه بین بخش‌های حسابرسی داخلی، تطبیق و مدیریت ریسک

اصل ۱۳: حسابرسی داخلی باید به‌صورت مستقل میزان اثربخشی و کارایی کنترل داخلی، مدیریت ریسک و سیستم‌های حاکمیتی و فرایندهای ایجاد شده توسط واحدهای تجاری را ارزیابی و از این کارکردها حمایت کرده و اطمینان‌خاطری را درباره این فرایندها و سیستم‌ها فراهم آورد.

حسابرسی داخلی در یک گروه یا شرکت هلدینگ

اصل ۱۴: در تمام بانک‌های یک سازمان بانکی، به‌منظور تسهیل در داشتن رویکرد همسان نسبت به حسابرسی داخلی، هیأت مدیره هر بانک در گروه بانکی یا شرکت هلدینگ، باید از یکی از موارد زیر اطمینان حاصل کند:

الف- مؤسسات اعتباری دارای حسابرسی داخلی مخصوص به خود باشد که در برابر هیأت مدیره پاسخگو بوده و به رئیس حسابرسی داخلی گروه بانکی یا شرکت هلدینگ گزارش دهد؛ یا این که

ب- حسابرسی داخلی گروه مؤسسه اعتباری یا شرکت هلدینگ، فعالیت‌های حسابرسی داخلی در بانک را به اندازه کافی انجام داده تا هیأت مدیره را قادر به انجام مسئولیت‌های محوله و قانونی خود سازد.

برون‌سپاری فعالیت حسابرسی داخلی

اصل ۱۵: صرف‌نظر از این که فعالیت‌های حسابرسی داخلی برون‌سپاری شده است یا خیر، هیأت مدیره مسئولیت نهایی کارکرد حسابرسی داخلی را بر عهده خواهد داشت.

ارتباط و مزایای مقام نظارتی با واحد حسابرسی داخلی

اصل ۱۶: ناظران بانکی باید دارای ارتباط منظم با حسابرسان داخلی بانک به منظور انجام موارد زیر باشند:

الف- تبادل نظر در رابطه با موارد ریسکی شناسایی شده توسط ناظران و حسابرسان داخلی

ب- شناسایی شاخص‌های مورد استفاده بانک برای کاهش ریسک

ج- پایش واکنش بانک به ضعف‌های شناسایی شده.

ارزیابی نظارتی از واحد حسابرسی داخلی

اصل ۱۷: ناظران بانکی باید به‌طور منظم بررسی کنند که آیا واحد حسابرسی داخلی دارای جایگاه و اختیار کافی در بانک بوده و بر مبنای اصول صحیح عمل می‌کند یا خیر.

اقداماتی که باید توسط مقام نظارتی انجام پذیرد

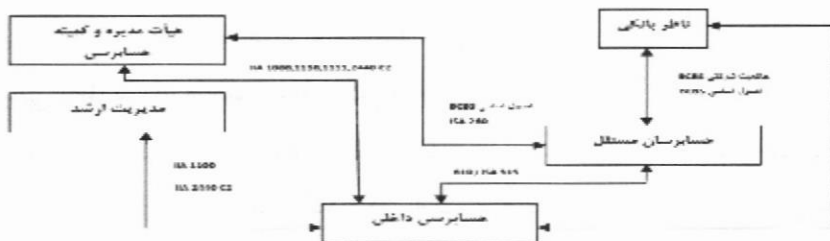
اصل ۱۸: ناظران بانکی باید تمامی ضعف‌های واحد حسابرسی داخلی شناسایی شده را به‌طور رسمی به هیأت مدیره گزارش داده و اقدامات اصلاحی به‌موقع را الزام کنند.

اصل ۱۹: مسئولان نظارتی باید تأثیر ارزیابی خود از واحد حسابرسی داخلی را در تعیین مشخصه ریسکی بانک و امور نظارتی مدنظر قرار دهند.

اصل ۲۰: مسئولان نظارتی باید برای اتخاذ اقدامات رسمی و غیررسمی نظارتی در جهت الزام هیأت مدیره و مدیریت ارشد برای اصلاح تمام ناکارایی‌های شناخته شده حسابرسی داخلی در چارچوب زمانی مشخص و ارائه گزارش‌های کتبی دوره‌ای مربوط به میزان پیشرفت به ناظران، دارای آمادگی باشند.

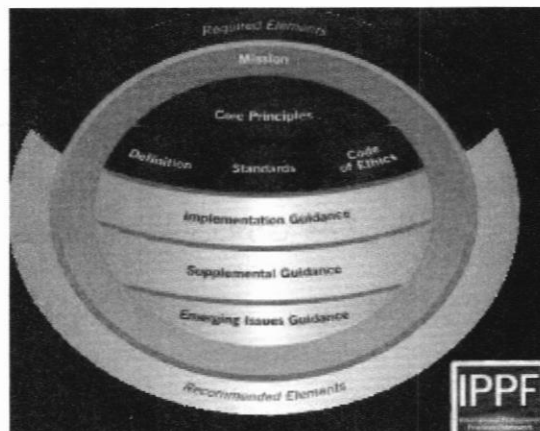
۹-۲- ارتباط واحد حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری یا بخش‌های دیگر ارتباط واحد حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری با بخش‌های دیگر آن: ارتباط واحد حسابرسی داخلی مؤسسه اعتباری با بخش‌های دیگر آن به شرح نمودار شماره ۴ است.

نمودار شماره ۴: ارتباط واحد حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری یا بخش‌های دیگر



* استانداردهای بین‌المللی حسابرسی داخلی (IIA) اصول اساسی برای نظارت مؤثر بانکی (BCBS)
 ** استانداردهای بین‌المللی حسابرسی (ISA) اصول توسعه حاکمیت شرکتی

۱۰-۲- چارچوب جدید بین‌المللی فعالیت‌های حرفه‌ای حسابرسی داخلی (IPPF)
 انجمن حسابرسان داخلی در سال ۲۰۱۵ پیش‌نویس استانداردهای جدید حسابرسی داخلی - چارچوب بین‌المللی حرفه‌ای (IPPF) را انتشار داد.



اجزای چارچوب بین‌المللی فعالیت‌های حرفه‌ای حسابرسی داخلی:

- مأموریت حسابرسی داخلی
- اصول محوری برای حسابرسی داخلی
- تعریف حسابرسی داخلی
- اخلاق و آیین رفتار حرفه‌ای
- استانداردهای بین‌المللی فعالیت حرفه‌ای حسابرسی داخلی
- رهنمودهای اجرایی
- رهنمودهای تکمیلی
- رهنمود اضطراری

مأموریت حسابرس داخلی: حفظ و ارتقای ارزش‌های سازمانی از طریق فراهم نمودن اطمینان بخشی واقع بینانه، ریسک محور بودن، مشاوره و بینش برای ذینفعان اصول محوری حسابرسی داخلی: چارچوب جدید اصول محور است. افزودن اصول به چارچوب بین‌المللی فعالیت‌های حرفه‌ای، اثربخشی حسابرسی داخلی را توصیف می‌کنند و از استانداردهای مبتنی بر ۱۲ اصل اصول و اخلاق و آیین رفتار حرفه‌ای حمایت می‌کنند.

- ۱- نشان دادن درستکاری بدون خدشه
- ۲- انعکاس بی‌طرفی هم در رویکرد و هم در تفکر
- ۳- نشان دادن تعهد به صلاحیت (صلاحیت‌مداری)
- ۴- داشتن جایگاه مناسب در سازمان توأم با اختیارات کافی سازمانی.
- ۵- هم‌راستایی و هم‌سوایی راهبردی با اهداف و آمال سازمان.
- ۶- داشتن منابع کافی برای اثربخشی توجه به ریسک‌ها
- ۷- نشان دادن کیفیت و بهبود مستمر.
- ۸- دستیابی به اثربخشی و کارایی در ارائه خدمات.
- ۹- برقراری ارتباطات مؤثر.

۱۰- فراهم کردن اطمینان بخشی قابل اتکا برای کسانی که مسئولیت راهبری را به عهده دارند.

۱۱- خردمندی، پیشتازی و نگاه آینده داشتن

۱۲- ترویج تغییرات مثبت (مثبت‌نگری).

تعریف حسابرسی داخلی: حسابرسی داخلی، فعالیت اطمینان‌بخشی مستقل و بی‌طرفانه و مشاوره‌ای است که با هدف ارزش‌افزایی و بهبود عملکرد سازمان فعالیت می‌کند. این فعالیت با ایجاد رویکردی نظام‌مند و اصولی برای ارزیابی و بهبود اثربخشی مدیریت ریسک، کنترل و فرآیندهای راهبری به سازمان در رسیدن به اهداف کمک می‌کند.

اخلاق و آیین رفتار حرفه‌ای: اخلاق و آیین رفتار حرفه‌ای اصول و انتظاراتی را بیان می‌کند که رفتار شخصی و سازمانی را در انجام حسابرسی داخلی تحت کنترل دارند. این عامل حداقل شرط انجام و انتظارات رفتاری را به‌جای فعالیت‌های خاص توصیف می‌کند و شامل درستکاری، بی‌طرفی، رازداری و صلاحیت حرفه‌ای است. رهنمودهای اجرایی: رهنمودهایی برای کمک به کاربران در پیاده‌سازی استانداردها است. رهنمودهای اجرایی رویکردهای قابل قبول و احتمالی را برای رسیدن به استانداردهای تطبیقی فراهم می‌سازد و به هیچ‌وجه به‌دنبال توصیفات خسته‌کننده نمی‌باشد. رهنمودهای اجرایی، مثل برنامه‌های کاری یا مدل‌ها، فرآیندها یا روندها را جزء به‌جزء شرح نمی‌دهد. چون این رهنمودها در سطح رهنمودها تکمیلی به بهترین شکل مورد بررسی قرار می‌گیرد. رهنمودهای اجرایی قصد دارد تا جامع‌تر از توصیه‌های عملی امروزه باشد، صرف‌نظر از این‌که هر کدام از استانداردها به‌وسیله رهنمودهای اجرایی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌گیرند. همچنین به مرور زمان، اجزای رهنمودهای اجرایی کنونی در داخل رهنمودهای اجرایی جدید جای می‌گیرند که بیشتر گویای رهنمودهای اجرایی هستند.

رهنمودهای تکمیلی: رهنمودهای تکمیلی را می‌توان به‌عنوان رهنمودی دیگر در زمینه هدایت فعالیت‌های حسابرس داخلی دانست. رهنمودهای تکمیلی، علاوه بر حمایت از استانداردها، قرار نیست که به‌طور مستقیم با استانداردها منطبق و ارتباط داشته باشد (برخلاف رهنمودهای اجرایی). رهنمودهای تکمیلی قرار است تا حیطه‌های روزآمد و همچنین مسائل خاص یک بخش را مورد بررسی قرار بدهد. رهنمودهای تکمیلی همچنین شامل روندها یا فرایندهای مفصل از قبیل ابزارها، شیوه‌ها، برنامه‌ها و رویکردهای قدم به قدم به‌صورت نمونه‌های قابل ارایه می‌باشد.

رهنمودهای اضطراری: معرفی فرآیند ایجاد و ترویج رهنمود موارد اضطراری به شیوه زمان‌بندی شده و افزودن یک لایه جدید مشخص و جداگانه به‌عنوان رهنمود موارد اضطراری به چارچوب بین‌المللی فعالیت‌های حرفه‌ای ضروری تشخیص داده شد.

۱۱-۲- استانداردهای بین‌المللی برای فعالیت حرفه‌ای حسابرسی داخلی

استانداردهای مبتنی بر اصول هستند و چارچوبی را برای اجرا و ترویج حسابرسی داخلی فراهم می‌آورند. استانداردها شروط اجباری را بیان می‌کنند که شامل موارد ذیل هستند:

- بیانیه‌های شروط اصلی برای فعالیت حرفه‌ای حسابرسی داخلی و برای ارزیابی اثربخشی فعالیت آن. این شروط در سطوح فردی و سازمانی از لحاظ بین‌المللی قابل اجرا هستند.

- تفاسیری که مفاهیم و اصطلاحات درون بیانیه‌ها را روشن می‌سازند.

- استانداردهای صفات (عمومی)

- استانداردهای عملکرد

- استانداردهای اجرای عملیات

الف- استانداردهای صفات (عمومی): این استانداردها صفات سازمانها و اشخاصی

را بیان می کند که به حسابرسی داخلی می پردازند و شامل:

- هدف، اختیار و مسئولیت (۱۰۰۰)

- استقلال و بی طرفی (۱۱۰۰)

- کارآزمودگی و دقت حرفه ای (۱۲۰۰)

- برنامه اطمینان بخشی و بهبود کیفیت (۱۳۰۰)

استانداردهای عملکرد: این استانداردها ماهیت خدمات حسابرسی داخلی را

توصیف می کند و معیاری کیفی به دست می دهند که با آن می توان عملکرد این خدمات را اندازه گرفت و شامل:

- مدیریت فعالیت حسابرسی داخلی (۲۰۰۰)

- ماهیت کار (مدیریت ریسک و کنترل) (۲۱۰۰)

- برنامه ریزی انجام کار (۲۲۰۰)

- انجام کارهای حسابرسی داخلی (۲۳۰۰)

- انتقال نتایج (۲۴۰۰)

- جریان پایشگری و نظارت بر پیشرفت کار (۲۵۰۰)

- حل و فصل ریسک های پذیرفته شده توسط مدیریت (۲۶۰۰)

ب- استانداردهای اجرای عملیات: رهنمودهایی برای انواع کارهای حسابرسی داخلی

خاص به دست می دهند در نهایت این استانداردها را می توان برای انواع خدمات

حسابرسی مربوط به صنعت خاص یک منطقه یا رشته تخصصی اعمال کرد.

استانداردهای حسابرسی داخلی، کل برنامه کار/ دستورالعملها و روشها/

گزارشگری/ تقویت فرآیند حسابرسی/ رویکرد مدیریت ریسک را مورد توجه قرار

می دهند.

۳- نظام کنترل داخلی مؤثر در مؤسسات اعتباری

کنترل داخلی، فرآیندی است که به مسئولیت مدیریت و توسط سایر کارکنان بانک طراحی و اجرا می‌شود تا از دستیابی به اهداف مورد رسیدگی در زمینه قابلیت اتکای گزارشگری مالی، اثربخشی و کارایی عملیات و رعایت قوانین و مقررات مربوط، اطمینان معقول به دست آید. برخورداری مؤسسه اعتباری از نظام کنترل داخلی اثربخش، ضمن بهبود مستمر عملیات و ارتقای کارایی و اثربخشی، موجب ارزش افزایی و اطمینان از دستیابی به اهداف سازمان می‌گردد. نظام کنترل داخلی، جزء اصلی ارکان راهبری شرکتی می‌باشد.

نظر به اهمیت و لزوم برخورداری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور از نظام مناسبی برای کنترل‌های داخلی واحدهای تابع خود، بانک مرکزی اقدام به انتشار مجموعه «رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری» با عنوان بخشنامه مب ۱۱/۷۲ در خرداد سال ۱۳۸۶ برای اجرا و فراهم‌سازی بستر لازم برای استقرار نظام کنترل داخلی مؤثر در بانک‌ها ابلاغ نموده که براساس این دستورالعمل، بانک‌ها مکلف گردیدند هر ۶ ماه، گزارشی از پیشرفت کار درخصوص پیاده‌سازی نظام جامع کنترل‌های داخلی در واحد تابع خود و اقدامات انجام شده در اجرای مؤثر این بخشنامه را به مدیریت کل نظارت بر امور بانک‌های بانک مرکزی گزارش دهند. طبق بخش چهارم ماده ۱۳ رهنمود پیشگفته مؤسسه اعتباری موظف است در پایان سال کلیات نظام کنترل‌های داخلی بانک را مطابق الزامات بانک مرکزی منتشر نمایند. هدف از این رهنمود عبارت‌اند از:

- بهبود نظارت و پاسخگویی مناسب مدیریت و کمک به گسترش فرهنگ توانمند کنترلی.
- کمک به فرایند تصمیم‌گیری و اداره مؤثر بانک.
- بهبود ساز و کارهای مرتبط، برای مدیریت مناسب ریسک‌های موجود در فعالیت‌های بانک.

- تقویت ساختارها و فعالیت‌های کنترلی از جمله تفکیک وظایف، رعایت فرایند اخذ مجوزها و مصوبات، رفع مغایرت‌ها و بازبینی عملکرد عملیاتی.
- بهبود اقدامات کنترلی برای شناسایی، پیشگیری و اصلاح به‌موقع نارسایی‌ها از جمله اشتباهات، تخلفات و اختلاس‌ها.
- بهبود ارتباطات و گردش مناسب و به‌هنگام اطلاعات قابل اتکا، در میان تمام سطوح بانک.
- بهبود و ارتقای نظام گزارشگری و اطلاع‌رسانی به‌موقع و قابل اتکای بانک به اشخاص و مراجع ذیربط.
- حصول اطمینان از پایبندی بانک به قوانین، مقررات، الزامات نظارتی، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها و اجزای مؤثر آن‌ها.

۱-۳- رهنمود کمیته بال در مورد کنترل داخلی مؤسسات اعتباری

کمیته بال در سپتامبر ۱۹۹۸ مبادرت به انتشار رهنمودهای با عنوان «چارچوبی برای کنترل‌های داخلی در بانک‌ها» میسر نمود. مطابق اصول ۱۰ تا ۱۲ این رهنمود، به اثربخشی و ارزیابی به‌شرح زیر می‌پردازد:

اصل ۱۰: اثربخش کلی کنترل‌های داخلی باید به‌طور مداوم مورد نظارت قرار گیرد و نظارت بر ریسک‌های کلیدی، باید به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های روزانه مؤسسه اعتباری انجام شود. به‌علاوه ارزیابی دوره‌ای خطوط کاری و انجام حسابرسی داخلی فعالیت‌ها به‌عنوان بخشی از فرایند اعمال نظارت ضروری است.

اصل ۱۱: حسابرسی داخلی فراگیر و اثربخش سیستم کنترل داخلی باید توسط کارکنان با صلاحیتی صورت گیرد که به‌لحاظ عملیات مستقل بوده و آموزش‌های لازم را دیده باشند. وظیفه حسابرسی داخلی بخشی از نظارت بر سیستم کنترل داخلی را تشکیل می‌دهد. حسابرسان داخلی باید گزارش خود را مستقیماً به هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی داخلی مدیریت عالی ارائه دهند.

اصل ۱۲: نارسایی‌های کنترل داخلی خواه این که توسط خطوط کاری مشاهده شود یا توسط حسابرسان داخلی یا سایر کارکنان به آن برخورد شود باید براساس برنامه زمانی مناسب و به‌هنگام به سطوح مناسب مدیریت گزارش و فوراً به اطلاع آن‌ها برساند. نارسایی‌های با اهمیت کنترل‌های داخلی باید به مدیریت ارشد و هیئت مدیره گزارش گردد.

۲-۳- دستورالعمل کنترل‌های داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار در مورد کنترل‌های داخلی

این دستورالعمل در ۱۳۹۱/۲/۱۶ توسط سازمان بورس در مورد کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی و گزارشگری کنترل داخلی طبق ماده ۱۲ دستورالعمل کنترل‌های داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار، هیئت مدیره و مدیریت ارشد شرکت‌های عضو بورس و فرابورس (از جمله مؤسسات اعتباری) مکلف هستند به‌منظور دستیابی به اهداف شرکت نسبت به استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش اطمینان حاصل نمایند. برای ایفای این مسئولیت، هیئت مدیره شرکت موظف هستند سیستم کنترل‌های داخلی را با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی شناخته شده بین‌المللی، حداقل به‌طور سالانه بررسی و نتایج آن را در گزارشی با عنوان «گزارش کنترل‌های داخلی» و به مجمع عمومی صاحبان سهام درج و افشا نماید.

هیئت مدیره باید در «گزارش کنترل‌های داخلی» که همراه صورت‌های مالی خود در پایان سال منتشر می‌نماید، در مورد کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی شرکت، اطمینان معقولی از دستیابی به اهداف شرکت را ارائه می‌دهد، به طور صریح اظهار نظر نماید. حسابرسان مستقل نیز موظف است در گزارش خود به مجمع عمومی صاحبان سهام در خصوص استقرار و به‌کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش توسط شرکت، اظهار نظر نماید.

۳-۳- چارچوب یکپارچه بروز شده کنترل داخلی کوزو (۲۰۱۳)

در سال ۱۹۹۲ کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تروودوی (کوزو) کنترل داخلی را در قالب چارچوب یکپارچه کوزو معرفی و به اجرا درآورد. این چارچوب مورد قبول هیئت مدیره و مدیران ارشد شرکت‌ها و همچنین به‌طور گسترده در تمام دنیا مورد استفاده قرار گرفت و به‌عنوان راهنمایی در طراحی، پیاده‌سازی و هدایت کنترل داخلی مؤثر شناخته شده است. در سال ۲۰۱۰، پروژه‌ای برای تجدیدنظر و بروزرسانی چارچوب فوق تعریف نمود. طی ۲۰ سال گذشته از زمان تدوین چارچوب کوزو تاکنون کمیته واحدهای تجاری یا بنگاه‌های اقتصادی و محیط‌های عملیاتی به‌طور چشمگیری تغییر کرده است و اجرای چارچوب اصلی و به‌طور فزاینده‌ای پیچیده و فنی در حال حرکت به‌سمت جهانی شدن است. به‌طور همزمان، کلیه ذینفعان که به‌دنبال شفافیت و پاسخگویی از طریق چارچوب اصلی کنترل داخلی برای حمایت و نظارت بر تصمیمات واحد تجاری می‌باشند، مجذوب چارچوب به روز شده گردیدند. این چارچوب‌ها سازمان‌ها را مفید و اثربخش می‌نماید و باعث توسعه و تغییر آن‌ها می‌گردد و با حمایت از سیستم کنترل داخلی، سازمان‌ها را در راستای رسیدن به اهدافشان کمک خواهد کرد.

۳-۴- دستاوردهای چارچوب یکپارچه کنترل داخلی کوزو (۲۰۱۳)

کنترل داخلی به واحدها برای دستیابی به اهداف سازمانی مهم و بهبود استقرار اهداف آن‌ها کمک چشمگیری می‌کند. چارچوب یکپارچه کنترل داخلی به سازمان‌ها توانایی اثربخش بودن می‌دهد و در کاهش مخاطرات احتمالی در حد قابل قبول و همچنین در حمایت از تصمیم‌گیری‌ها و نظارت بر سازمان‌ها مؤثر واقع خواهد شد. این چارچوب برای هیئت مدیره دستاوردهایی از جمله موارد زیر را به‌همراه خواهد داشت.

- وسیله‌ای برای اعمال در انواع واحدها صرف‌نظر از نوع خدمت و ساختار قانونی آن در سطح واحدهای وابسته به آن.
- ارائه رویکردهای اصول محور، اصولی که انعطاف‌پذیرند و اجازه قضاوت در طراحی، پیاده‌سازی و هدایت کنترل داخلی را می‌دهند و قابل اجرا در واحدها، واحدهای عملیاتی و واحدهای تابعه هستند.
- ارائه الزامات مورد نیاز برای یک سیستم مؤثر، با در نظر گرفتن اجزاء، اصول و ارتباط آنها با یکدیگر.
- شناسایی و تجزیه و تحلیل مخاطرات (ریسک‌ها) و توسعه و مدیریت آنها و پاسخگویی مناسب به این مخاطرات در مراحل قابل قبول و توجه بیشتر به معیارهای ضد تقلب.
- ایجاد فرصتی برای گسترش استفاده از کنترل داخلی فراتر از گزارش‌های مالی و غیرمالی، فعالیت‌ها و اهداف مطلوب.
- ارائه فرصتی برای برطرف کردن و اصلاح کنترل‌های غیرمؤثر و ناکارآمد که کمترین اثر را در کاهش ریسک برای رسیدن به اهداف دارند.

۵-۳- اهداف، اجزا و عناصر چارچوب یکپارچه کنترل داخلی کوزو (۲۰۱۳)

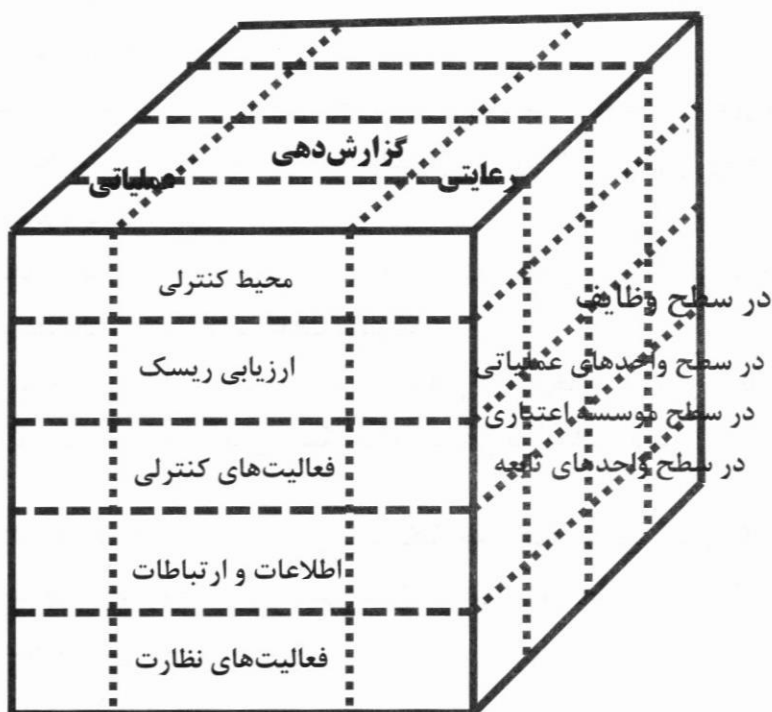
چارچوب یکپارچه کنترل داخلی شامل اهداف، عناصر اصلی و فرعی زیر می‌باشد:

○ عناصر اصلی چارچوب کوزو

- تعریف کنترل داخلی
- اهداف کنترل داخلی (۳ هدف)
- اجزای کنترل داخلی (۵ جزء)
- اصول مرتبط با اجزای کنترل داخلی (۱۷ اصل)
- عناصر فرعی (کمکی) چارچوب کوزو
- نقاط قابل تمرکز (۸۷ معیار)

- رویکرد و مثال‌ها
- ابزارهای توضیحی ارزیابی اثربخشی کنترل‌های داخلی (الگوها و سناریوها)
- ارتباط اهداف، عناصر و اجزای کنترل داخلی در چارچوب کوزو به شرح نمودار شماره ۵ است:

نمودار شماره ۵: ارتباط اهداف، عناصر و اجزای کنترل داخلی



○ تعریف و اهداف کنترل داخلی کوزو

کنترل داخلی، فرآیندی است که به‌وسیله هیئت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان سازمان و به‌منظور حصول اطمینان معقول از دستیابی به اهداف زیر طراحی و مستقر می‌گردد:

اهداف کنترل‌های داخلی کوزو

- اثر بخشی و کارایی عملیات
- قابلیت اطمینان گزارش‌های
- رعایت قوانین و مقررات مربوط

اجزا و اصول کنترل‌های داخلی کوزو: اجزا و اصول کنترل‌های داخلی به شرح زیر است:

اجزای کنترل داخلی

محیط کنترلی: محیط کنترلی، مجموعه‌ای از استانداردها، فرایندها و دستورالعمل‌هایی است که مبنایی برای انجام کنترل‌های داخلی در پهنای سازمان فراهم می‌کند.

ارزیابی ریسک: ارزیابی ریسک شامل فرایندی پویا و تکراری شناسایی و ارزیابی ریسک‌های دستیابی به اهداف است. ریسک‌های دستیابی به اهداف در پهنای واحد یا سازمان بر میزان تحمل‌پذیری متمرکز می‌شود. بنابراین، ارزیابی ریسک بر چگونگی مدیریت این ریسک‌ها بنا نهاده شده است.

فعالیت‌های کنترلی: ارزیابی ریسک شامل فرایندی پویا و تکراری شناسایی و ارزیابی ریسک‌های دستیابی به اهداف است. ریسک‌های دستیابی به اهداف در پهنای واحد یا سازمان بر میزان تحمل‌پذیری متمرکز می‌شود. بنابراین، ارزیابی ریسک بر چگونگی مدیریت این ریسک‌ها بنا نهاده شده است.

اطلاعات و ارتباطات: اطلاعات برای واحدها در اجرای مسئولیت‌های کنترلی برای دستیابی به اهداف اهمیت بسزایی دارد. مدیران اطلاعات و کیفیت آن‌ها را از منابع داخلی و خارجی فراهم می‌نمایند و برای حمایت از فعالیت‌های دیگر کنترل داخلی سازمان مورد استفاده قرار می‌دهد.

فعالیت‌های نظارتی: انجام ارزیابی مستمر، ارزیابی‌های جداگانه، یا ترکیبی از این دو، امکان حصول اطمینان از این‌که هر یک از اجزای پنج‌گانه کنترل‌های

داخلی، از جمله کنترل‌هایی که بر اصول مرتبط با هر یک از این اجزا مؤثرند، وجود داشته و عمل می‌کنند.

اصول کنترل داخلی کوزو:

اصول ۱۷ گانه کنترل داخلی به شرح زیر است:

- ۱- نمایش تعهد به درستکاری و ارزش‌های اخلاقی
 - ۲- عمل به مسئولیت نظارتی
 - ۳- استقرار ساختار سازمانی مناسب، اختیارات و مسئولیت‌ها
 - ۴- نمایش تعهد به صلاحیت
 - ۵- الزام به پاسخگویی
 - ۶- مشخص نمودن اهداف مربوط به سازمان
 - ۷- شناسایی و تجزیه و تحلیل ریسک
 - ۸- تعیین ریسک تقلب
 - ۹- شناسایی و تجزیه و تحلیل تغییرات با اهمیت
 - ۱۰- انتخاب و توسعه فعالیت‌های کنترلی
 - ۱۱- انتخاب و توسعه کنترل‌های عمومی حاکم بر فناوری
 - ۱۲- به‌کارگیری خط‌مشی‌ها و روش‌های مناسب
 - ۱۳- اطلاعات مربوط
 - ۱۴- ارتباطات داخلی
 - ۱۵- ارتباطات خارجی
 - ۱۶- انجام ارزیابی‌های مستمر/ یا جداگانه
 - ۱۷- ارزیابی و اطلاع‌رسانی نارساییها
- نقاط قابل تمرکز(معیارهای)کنترل داخلی: مدیریت را در طراحی، اجرا و هدایت کنترل‌های داخلی و تعیین این‌که اصول کنترل‌های داخلی مربوط، در واقعیت، وجود داشته و عمل می‌نماید، یاری می‌دهد.

اصول محیط کنترلی	مثال نقاط قابل تمرکز
۱- نمایش تعهد به درستکاری و ارزش‌های اخلاقی	۱- ایجاد استانداردهای رفتاری
۲- عمل به مسئولیت نظارتی	۲- مسئولیت‌های نظارتی
۳- استقرار ساختار سازمانی مناسب، اختیارات و مسئولیت‌ها	۳- استقرار خطوط گزارشگری
۴- نمایش تعهد به صلاحیت	۴- برقراری خط مشی‌ها و رویه‌ها
۵- الزام به پاسخگویی	۵- ارزیابی عملکرد و پاداش‌ها
اصول ارزیابی ریسک	مثال نقاط قابل تمرکز
۶- مشخص نمودن اهداف مربوط به سازمان	۶- در نظر گرفتن اهداف عملکرد مالی و عملیاتی
۷- شناسایی و تجزیه و تحلیل ریسک	۷- تحلیل عوامل داخلی و بیرونی
۸- تعیین ریسک تقلب	۸- در نظر گرفتن انواع مختلف تقلب
۹- شناسایی و تجزیه و تحلیل تغییرات با اهمیت	۹- تعیین تغییرات مدل کسب و کار سازمان
اصول فعالیت‌های کنترلی	مثال نقاط قابل تمرکز
۱۰- انتخاب و توسعه فعالیت‌های کنترلی	۱۰- توجه به تفکیک وظایف
۱۱- انتخاب و توسعه کنترل‌های عمومی حاکم بر فناوری	۱۱- برقراری زیرساخت‌های فناوری مرتبط با کنترل‌ها
۱۲- به‌کارگیری خط‌مشی‌ها و روش‌های مناسب	۱۲- استقرار خط‌مشی‌ها و رویه‌های کاری برای پشتیبانی از دستورها
اصول فعالیت‌های نظارتی	مثال نقاط قابل تمرکز
۱۳- اطلاعات مربوط	۱۳- شناسایی اطلاعات مورد نیاز
۱۴- ارتباطات داخلی	۱۴- ارتباط با هیئت مدیره
۱۵- ارتباطات خارجی	۱۵- ارتباط با اشخاص بیرونی
اصول فعالیت‌های نظارتی	مثال نقاط قابل تمرکز
۱۶- انجام ارزیابی‌های مستمر/ یا جداگانه	۱۶- استقرار ترکیبی از ارزیابی مستمر و جداگانه
۱۷- ارزیابی و اطلاع‌رسانی نارسایی‌ها	۱۷- اطلاع‌رسانی نارسایی‌ها و نظارت بر اقدامات اصلاحی

رویکردها: رویکردها چگونگی کاربرد جنبه‌های مختلف اصول کنترل داخلی در طراحی، اجرا و هدایت آن‌ها را برای واحد مشخص می‌کند. رویکردها به این مطلب اشاره دارند که سازمان چگونه اصول مندرج در چارچوب را به کار می‌گیرد. مثال‌ها: مثال‌ها تصویری خاص به استفاده‌کنندگان چارچوب برای به‌کارگیری هر یک از اصول با استفاده از موقعیت‌های واقعی در عمل ارائه می‌دهد که از تجربیات الهام گرفته شده‌اند. مثال‌های ارائه شده یک یا چند جنبه از هر یک از اصول خاص را به تصویر می‌کشند لیکن به‌عنوان مثال‌های جامع و کامل برای کاربرد اصول در عمل طراحی نشده‌اند.

۴- ارزیابی کنترل‌های داخلی در مؤسسات اعتباری

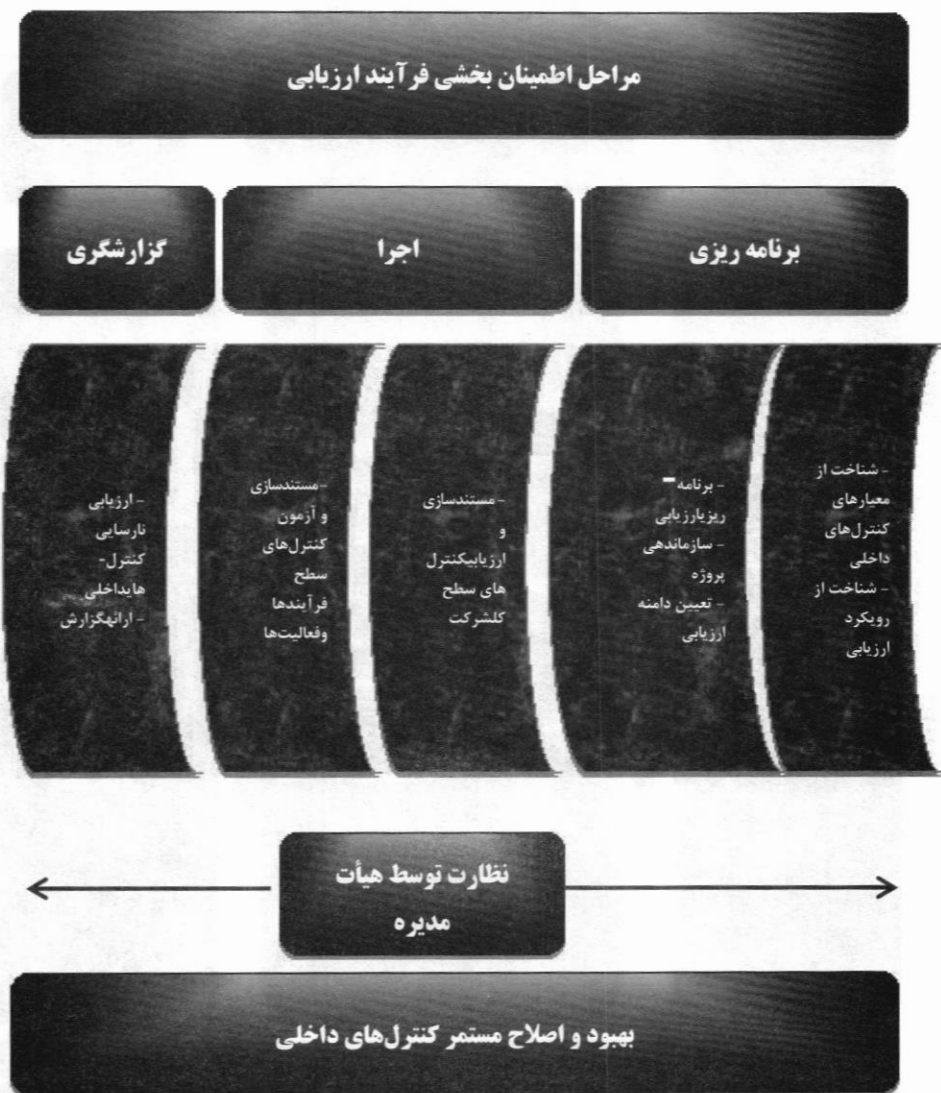
ارزیابی کنترل‌های علاوه بر تهیه گزارش کنترل‌های داخلی مطابق الزامات سازمان بورس اوراق بهادر و بانک مرکزی، می‌تواند مزایای زیر را برای مدیریت بانک فراهم نماید (صبری، ۱۳۹۴):

- آگاهی مدیریت از بانک از وضعیت موجود ساختار سیستم کنترل‌های داخلی در بانک به‌منظور استقرار و بهبود سیستم کنترل‌های داخلی بانک مطابق چارچوب کوزو رهنمودهای بانک مرکزی
- کاهش بهای تمام شده فرآیندهای حسابداری
- شناسایی آن دسته از فرآیندهای کنترلی موجود که فاقد اثربخشی و یا هزینه‌زا شده‌اند.
- افزایش بهره‌وری و اثربخشی در فرآیندهای مالی
- بهبود اثر بخشی طراحی و یا اجرای کنترل‌های گزارشگری مالی
- شفافیت اطلاعات و افزایش قابلیت اتکا گزارشگری مالی بانک

فرآیند ارزیابی کنترل‌های داخلی



نمودار شماره ۷: مراحل کلی ارزیابی کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری



مراحل و روش ارزیابی کنترل‌های داخلی در مؤسسات اعتباری: مراحل ارزیابی کنترل‌های داخلی در مؤسسات اعتباری، در نمودار شماره ۸ نشان داده شده است:

نمودار شماره ۸: روش ارزیابی کنترل‌های داخلی در مؤسسات اعتباری



جمع بندی و نتیجه گیری

نظام کنترل داخلی و حسابرسی داخلی از ارکان مهم و قلب نظام راهبردی شرکتی است. نظام حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری استقرار می یابد تا اطمینان حاصل شود که مؤسسه در جهت اهداف تعیین شده حرکت می کند، ریسکها مدیریت شده و بر عملکرد و نظارت می شود. استقرار نظام حاکمیت

شرکتی در مؤسسات اعتباری موجب تأمین ثبات و سلامت نظام بانکی، جلوگیری از سرایت مشکلات بانکی به کل اقتصاد، مقابله با شکل‌گیری و گسترش فساد بانکی و حفظ حقوق و منافع ذینفعان می‌گردد. در ادبیات حاکمیت شرکتی، هیأت مدیره، نقش محوری و اساسی در استقرار نظام حاکمیت شرکتی مؤثر در جهت تحقق اهداف بانک و در راستای منافع ذینفعان ایفا می‌نمایند. کمیته حسابرسی از جمله کمیته‌های تخصصی حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری است و براساس منشور و دستورالعمل مشخص شکل می‌گیرد و وظیفه و اطمینان از استقرار نظام کنترل داخلی، مدیریت ریسک، گزارشگری قابل اطمینان و رعایت قوانین و مقررات را به‌عهده دارد.

امروزه حسابرسی داخلی، بخش جدایی‌ناپذیر از فرآیند نظام حاکمیت شرکتی مطلوب در مؤسسات اعتباری است. حسابرسی داخلی، فعالیت اطمینان بخشی و مشاوره‌ای مستقل و بیطرفانه است که با هدف ارزش‌افزایی و بهبود عملیات سازمان انجام می‌یابد. حسابرسی داخلی، ریشه در سه مفهوم اصلی مدیریت ریسک، کنترل و راهبری دارد. طبق مصوبات کمیته بال، تدوین برنامه انعطاف‌پذیر حسابرسی سالیانه، اجرای برنامه سالانه مصوب هیأت مدیره، بررسی و ارزیابی مستمر اثربخشی سیستم کنترل داخلی، گزارش نتایج ارزیابی کنترل داخلی به مدیریت، ارائه گزارش‌های دوره‌ای منظم، ارائه فهرستی از اهداف کمی عملیاتی و نتایج تحقق یافته، از مهمترین مسئولیت‌های حسابرسان داخلی در مؤسسات اعتباری است.

حسابرسان داخلی دارای دو حوزه خدمات اطمینان بخش و خدمات مشاوره هستند. ویژگی‌های اصلی حسابرسی داخلی شامل استقلال و بیطرفی، صلاحیت و مراقبت تخصصی و حرفه‌ای، اخلاق حرفه‌ای، تدوین منشور حسابرسی داخلی است. استانداردهای بین‌المللی برای فعالیت حرفه‌ای حسابرسی داخلی مبتنی بر

اصول است و چارچوبی را برای اجرا و ترویج حسابرسی داخلی فراهم می‌آورند. این استانداردها حاوی استانداردهای عمومی، عملکرد و اجرای عملیات می‌باشد. کنترل داخلی، فرآیند است که به مسئولیت مدیریت و توسط سایر کارکنان بانک طراحی و اجرا می‌شود تا از دستیابی به اهداف در زمینه قابلیت اتکای گزارشگری مالی، اثربخشی و کارایی عملیات و رعایت قوانین و مقررات مربوط، اطمینان معقول به‌دست آید. نظام کنترل داخلی، جزء اصلی ارکان راهبری شرکتی است.

طبق چارچوب یکپارچه کنترل داخلی - کوزو (۲۰۱۳)، کنترل داخلی به واحدها برای دستیابی به اهداف سازمانی مهم و بهبود استقرار اهداف آنها، کمک چشمگیری می‌کند. چارچوب یکپارچه کنترل داخلی شامل عناصر اصلی و فرعی (کمکی) می‌باشد. عناصر اصلی شامل تعریف کنترل داخلی، اهداف کنترل داخلی (سه هدف)، اجزای کنترل داخلی (۵ جزء)، اصول مرتبط با اجزای کنترل داخلی (۱۷ اصل)، بوده و عناصر فرعی شامل نقاط قابل تمرکز (۸۷ معیار)، رویکردها و مثال‌ها و ابزارهای توضیحی ارزیابی اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اطمینان از گزارش‌ها و رعایت قوانین و مقررات مربوط و اجزای کنترل داخلی شامل محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و فعالیت‌های نظارتی می‌باشد.

هدف از ارزیابی و ارائه گزارش کنترل‌های داخلی توسط مدیریت، اطمینان از اثربخشی کنترل‌های داخلی شرکت به ذینفعان است. مراحل کلی ارزیابی کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری به اهداف سازمان شامل سه بخش کلی (برنامه‌ریزی، اجرا و گزارشگری) و پنج مرحله ارزیابی است که براساس مدل‌های کوزو و بلوغ صورت می‌گیرد.

کتابنامه

الف. فارسی

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل‌دهی در مؤسسات اعتباری، بخشنامه مب ۱۱/۷۲ خرداد ماه ۱۳۸۶.
- ۲- بختیاری، مهرداد و عبدالله آزاد: جایگاه کمیته حسابرسی داخلی و کنترل‌های داخلی در نظام راهبری شرکتی، حسابدار رسمی ش ۲۵، ۱۳۹۰.
- ۳- حساس یگانه، یحیی: مجموعه مقالات حاکمیت شرکتی، انتشارات علمی فرهنگی کتیبه، ۱۳۹۴.
- ۴- سازمان بورس و اوراق بهادار: دستورالعمل کنترل‌های داخلی، ۱۳۹۲.
- ۵- صبری، رضا: رهنمود ارزیابی و گزارشگری کنترل داخلی توسط مدیریت، انتشارات سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۴.
- ۶- کمیته نظارت بانکی بال (بازل) (۲۰۱۲): اصول بیست و نه‌گانه نظارت مؤثر بانکی، ۱۳۹۴.
- ۷- کمیته نظارت بانکی بال (بازل) (۲۰۱۰): اصول چهارده‌گانه برای بهبود حاکمیت شرکتی، مترجم بانک مرکزی جمهوری ایران، بهار ۱۳۹۴.
- ۸- کمیته نظارت بانکی بال (بازل) (۲۰۱۲): اصول حاکم بر عملیات حسابرسی داخلی، بانک مرکزی ۱۳۹۴.

۹- کمیته نظارت بانکی بال (بازل) (۲۰۱۰): چارچوبی برای نظام کنترل داخلی در بانک‌ها، مترجم بانک مرکزی جمهوری، ۱۳۹۴.

۱۰- کورت اف، ردینگ و همکاران: حسابرسی داخلی، خدمات اطمینان بخش و مشاوره، ترجمه علی کمالی‌زارع با همکاری حسین کثیری و بهمن زندیه، بانک مسکن، ۲۰۱۳.

۱۱- معاونت پژوهش‌های اقتصادی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آسیب‌شناسی نظام بانکی، اصول و استانداردهای حاکمیتی شرکتی در بانک‌ها، ۱۳۹۵.

۱۲- هوشیار ممیز: راهنمای شناخت و ارزیابی اثربخشی کنترل داخلی، مترجم: حسین کثیری، ۱۳۹۲.

۱۳- هوشیار ممیز: کنترل‌های داخلی - چارچوب یکپارچه COSO، مترجمان: حسین کثیری و سیدمحمد حسن‌زاده، ۱۳۹۳.

ب. انگلیسی

- 1- Basel Committee on banking Supervision: *Principles for Sound Liquidity Risk Management and Supervision*, September 2008.
- 2- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS), 2011: *Principles for the Sound Management of Operational Risk*, Bank for International Settlements.
- 3- Committee of sponsoring organization of Treadway commission (SOSO) (2013): *International Control Integrated Framework*.
- 4- Institute of Internal Auditor (IIA) (2015): *International Professional Practice Framework*, (IPPF).
- 5- OECD (2015): *Principles of corporate governance*.

- 6- World Bank, (2009): *Report on The Observece of standards codes, corporate governance.*
- 7- (2000): *Principles for the Management of Credit Risk.*
- 8- (2004): *International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards: a Revised Framework.*
<http://www.bis.org/publ/bcbs107.pdf>
- 9- (2011): *Principles for the Sound Management of Operational Risk*
- 10- (2013): Progress in adopting the principles for effective risk data aggregation and risk reporting.
<http://www.bis.org/publ/bcbs268.pdf>
- 11- (2015): Corporate governance principles for banks, bank for international settlements (www.BIS.org) July 2015.
<http://www.bis.org/bcbs/pupl/d328.pdf>